سال اول - شمارهٔ دهم

صبح ۴ شنبه یازدهم خرداد ۱۳۲۲

تک شماره یک ریال

# آژیر

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول
ج. پشیه‌وری

آژیر هر روز صبح منتشر میشود

برای اشتراک:
سالیانه ۱۰۰ ریال
ششماهه ۵۰ ریال
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوازده درصد بیست تخفیف میگیرد

نشانی آدرس اداره:
آژیر هر روز صبح منتشر میشود

نشانی آدرس اداره:
آژیر هر روز صبح منتشر میشود

## بر و برگرد ندارد

برروز هنگامیکه در اطاق ویسه مجموعه خراب و خیال و دون همه اند مراجعه کنید کارمند اداره را تنها دیده گوید بفرمائید بفرمائید آهسته در دیگر در حوض حوض فیده و حوض وضعی سرزده داخل شده سلام کرده حوض اسناد نظر نشارب آنجا در روبروی مدیری صدائی قرار گرفت :

بفرمائید دست از کار کشیده در فیده میان آنجا خواهد گشت بفرمائید چون چائی و چلاقی بر سر دستیان از گرسنگی و تعطی هیچگونه اثری مشاهده نشده :

خانه و بر و تازه و خدمه و دهقر می آمد بدون مقدمه مقاله نه سلاقی در آورده حاوی بر گذاشت و بدون مصطفی هم سعی آمار قرار کند و آنگاهی میشه کاغذی که میبین ما در مقابل است آنجا می خواهید روان را از بلوار به هیچگاه از روز ناها ما حاضر شده مقاله ما را چاپ بکنید فعلی بدون ترحیلی نمیشه این مدیر بی حرارت هیچکدام از بی توجه روزنامه بفرمائید بفرمائید داخل بروی آنجا بروید مراجعه بکنید به سید یاسر شیخ الاسلام مراجعه کرده مقاله را برای شما بنویسد :

بدون دلیل مدیر بدون دون گوئی بدون اشاره بوده داشت بالا رفته مقاله‌ای بنویسد آورده و آنگاه و محلی و سرزمان خواهد همه مقاله‌ای بنویسی و سر گذشت بفرمائید بفرمائید بوده با آنجا بسیار شلوغی در روز بوده بود :

گفت شما بیائید فردا فانون به قانون بخواهید بعضوران می گه تا دوات مراجعه بفرمائید در حوزه‌ها آنجا به میفرمائید :

شما خیلی جوان هستید بروید اول جوانها به آن وقت اعوام خواهد شکید دون بسیار خاوند تو نوشته شده و غیر از آن چیزی باید آنجا بنویسد و آنگاهی دون و ارزش کار گر وظیفه دائمی و مستمر بدون دوائر دولتی را حفظ در از حالا نگاه و بنویسی کرده شده که مانند کرده خواهد است اوروپای اصناف فشنولی در آمد تا مشروع معتکر بی خواهدان و مقاطعه کاران را گرفته برای اصلاح دور کشور مستحکم گیمای آن خواهد بود و آنها شما بدهید :

ارامبرار و ارام جوان صبح منتظر شما خواهند بود خواهند بود اما دقت است و شری که اورا داشته و خواهد داشت فانون مالیات زمان جاه و دارد بنوده است از دوات خود سعی کرده خواهد کرد مدیر مستعد بفرمائید هیچ پیشرفت خودرو بگرای میکرد در آنجا هم کاغذها بنویسی بدون آورده گفت من مخبر هستم فرمائید این جوری در روزنامه خودتان چاپ بکنید خیر این بود :

اوراق اداره از بازرگانان بزرگ‌ترین در اطاق بازرگانی است که صبح گرفته حقه مالی مالیات بدون آمد و گفت جلوبرید همه دوست در خلاف جامع کشور است :

بعد علی داده کرده گفت و میگوید به دولت قرض دارد حیف حقه قرض دارد میخواست قرض بکند بیاید ما چرا بیاید مالیات بخواهید آنگاهی آنگاه بدون میخواهید من جای بیاورد بیائی ما فانون میدهم گفت مثلا . گفت مثلا اعلام و اعلام جای و آگاهی داده کاغذ ما فروخته هم فرض دولت داده می شود هم بازرگانها هاد و اعلام بدست مردم نیست :

احساس میکردم که جرئیا حال مخوف نیست او انگار وظیفه همه مردمان را دارد طرفداری اینکار میکند وهم اینجا را بنویسد از بنگاهه مردمان و بازرگانی شده است که گفتم به حقیقه اداره خدا کی هستید گفت باین کار دارید من در آنجا میآیم همه همیشه فقیرا دست میگیرم مقاله وحرفها حوزی خود میبرد در بیخ دقیقه یک مقاله را میتوانم حاضر بکنم مانند مصطفی مردمان یکی بیاید دائی من و کاول مجلس است من جای پاها آورده میرفت بدون نامه نشان دارد از انواب در آورده مقاله را از بازار اطلاع خارید فانون بنو همه دارد خواهد آورد تمام مردمان چوبدار خود بنداشت :

گفتم فرمودید یا بفرمائید همه نمیتوانند آنجا بنویسند آنجا چطور است گفت چرا نمیتوانند همه هستند، ولی من مسلمانم یا او یکی نیست او میل خواهد بنویسد کاغذ ما آنجا کند زیرا دیدم که همه خواهد شد من مسلمانان بزرگی دوست داده من آن بد جوانم میخواهید که امروز نیست جوان نیست جوانه میخورد :

چون جوان جوانه کند دائی چرخی کی نوجه بیک طبقه یک بنشیند و جاده را در نظر همه میبینند هرفهای یک گروهی را که امروز نیاز مشی کنور را در دست داده که بنگرانی میکرد :

و کیل مجلس که امروز باخواب پشت تریبون آمده بعد از طرفداری از دوشک چیها همین حرفها را میزند تنها جوان دیروز بی تجربه که مساعی و جمهوری بود بنیاد به مخالفت کارگر زندگی خود میبرد هم دوستانیکه شما را بیش گفته شما مانند و کشور منتهی همین بنیاد مال بنیاد و اتفاق کرگانی وظیفه ملاکین را خیر میداد :

چون آنکه شاید منتی مرفهای خود را دست نیاوبید ولی وکیل میداشت آنانی دود میکند و چرا باید از فانون مالیات بر دوآمد به بگوید . آن مردمانیرا مخالفت بنا در جنت و گاه بعین بنیاد خیر کرده آنها خوب بی است وظیفه دست . که تمام وظائف و مخالفت کار برای کسب بی‌نظم‌دهرکن و وظیفه و جلدتر است . آنها :

حرفهای جوان هرا از جای خود تکان دادم هر جا را سر یکی از همکاران خانه به بازار شتافتم :

وضعیت بازار البته با دوماه پیش شبانی فرق کرده بود . آلوزو بازاری ها با وضعیت گرم میکشکند . جلو مجرد هاه کاری بازاریها در وقتی و در بعد بودند و فرصت نداشتند بیرون بیائی که از بازار بیرون بیائی گیرهان در آمد بیشتر از بریش هاه بود بنیاد بنیاد بنیاد